

نگرش اندلسی بر جغرافیای اسلامی

• مجتبی تبریزنیا

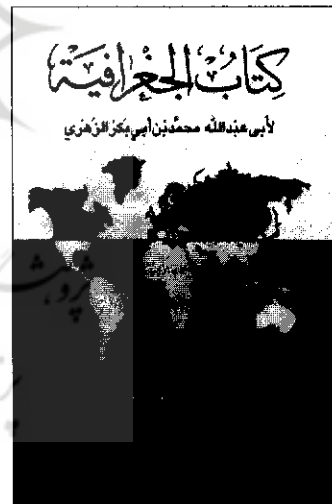
است که در اندلس نوشته شده است. مطالعه این کتاب از جهت آگاهی بر شناخت و نگرش جغرافیایی مسلمانان سرزمین‌های مغرب اسلامی نسبت به سراسر سرزمین‌های اسلامی حائز اهمیت است.

ظاهراً از زندگی زهری اطلاعات دقیقی در دست نیست. تعیین زمان تقریبی برای فوت او نیز از همین رو است. اندلسی بودن او هم بر اساس قراین بیان شده است زیرا «از اکثر شهرها دیدار کرده و از جزئیات این شهرها با صیغه متکلم یاد کرده است». ^۱ لذا مصحح متن اصلی - عربی - معتقد است او «بدون تردید در سراسر اندلس به جست‌وجو پرداخته و در آن جا رشد و نمو کرده و در همان جا از دنیا رفته است». ^۲

زهری اثر خود را از روی نسخه‌ای از جغرافیای فزاری تألیف کرده که خود آن نسخه از روی جغرافیای مأمون رونویسی شده بوده است. ^۳ محاسبه مأمونی مساحت زمین در جه نصف النهار، زیج مأمونی، تاسیس رصد خانه‌های بغداد و دمشق در زمان مأمون و بالاخره «الصورة - المامونیه» (نقشه مأمونی) از جهان، در زمان زهری از چنان اعتبار و صحت و اهمیتی برخوردار بوده که زهری کتاب خود را بر مبنای آن تألیف کرده است.

کتاب با توصیف «کمر بند آبی» (که هم چون حلقه کیبودی گرداگرد نقشه مأمونی قرار داشته است) ^۴ آغاز می‌شود.

سپس وصف «کمر بند سبز» باز گو می‌شود که قسمت آباد زمین است و «دریایی است محاط بر زمین و اجزای آن و چسبیده به خاک گرداگرد زمین». ^۵



■ کتاب الجغرافیه

■ نوشته: ابی عبدالله محمد بن ابی بکر الزهری

■ تحقیق و تصحیح متن عربی: محمد حاج صادق

■ ترجمه: دکتر حسین قرچانلو

■ ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۳۰۰ ص، ۲۵۰۰۰ ریال،

شابک ۹۶۴-۴۲۲-۶۱۵-۱

کتاب الجغرافیه نوشته ابو عبدالله محمد بن ابی بکر زهری (متوفی در اواسط قرن ششم هجری) یکی از متون جغرافیایی



► نقشه جهان مأمون مشهور
به صوره المأمونیه، از ابن موسی
خوارزمی، قرن دوم هـ. ق

تقسیم بندی زهری نه
مانند روش یونانیان
یعنی تقسیم جهان بر
اساس چهار جهت
شمال، جنوب، شرق و
غرب است که پیروان
مکتب جغرافیایی عراق
در آثارشان لحاظ
کرده‌اند و نه بر روش
هفت اقلیم ایرانی است
که پیروان مکتب بلخی
و بعضی از پیروان
مکتب عراقی بدان
متمسک شده‌اند

از مباحث مهم و بحث‌انگیز کتاب زهری، همین تقسیم بندی اقلیم هفتگانه است. تقسیم بندی زهری نه مانند روش یونانیان یعنی تقسیم جهان بر اساس چهار جهت شمال، جنوب، شرق و غرب است که پیروان مکتب جغرافیایی عراقی در آثارشان لحاظ کرده‌اند و نه بر روش هفت اقلیم ایرانی است که پیروان مکتب بلخی و بعضی از پیروان مکتب عراقی بدان متمسک شده‌اند.^۸

اگر چه زهری بر پایه روش هفت اقلیم ایرانی، به هفت اقلیم قائل است اما شیوه تقسیم بندی هفت‌گانه او از اقلیم با روش اقلیم‌های ایرانی کاملاً متفاوت است. زیرا بر طبق روش ایرانی، اقلیم چهارم شامل خراسان، جبال، عراق، شام، روم و... مرکز اقلیم دیگر است که سه اقلیم دیگر در جنوب و سه اقلیم بعدی در شمال آن است. در حالی که زهری اقلیم اول را در مرکز شش اقلیم دیگر می‌داند.

بنابراین طبق نوشته کراچکوفسکی، جغرافی دان روسی و منتقد آثار جغرافیایی اسلامی، باید گفت هر چند زهری، نقشه مأمونی «الصورة المأمونیه» را دیده است و مدعی است کتاب خود را بر پایه آن تالیف کرده، ولی وصفی کاملاً مخالف مسعودی ارائه می‌دهد. مسعودی نیز زمین را به هفت اقلیم تقسیم کرده که شش اقلیم، اقلیم چهارم را که در میان بوده را در بر می‌گرفته است.

بنابراین «گفته زهری، خبر واحد است و نمی‌توان آن را بر اجماع آرای جغرافی دانان دیگر که نظر مسعودی را تایید کرده‌اند، مرجع دانست».^۹

علاوه بر این، مابقی اقلیم دیگری که زهری در کتابش آورده، با

آن‌گاه دریا‌های چهار گانه را که در خشکی‌ها قرار دارند، بر می‌شمارد، سپس بر کروی بودن زمین (نه مسطح بودن آن) تاکید می‌کند. تخمین مساحت زمین و اجزای هفت گانه زمین مطالب بعدی را تشکیل می‌دهند.

زهری پس از وصف زمین و اجزای آن، به وصف شکار و بعضی از حیوانات کشنده مانند زُمرُده (نوعی میمون) و سپس به شکار رخ می‌پردازد. بعد از آن به تعاریف جغرافیایی روی آورده و از قسمت خشک و بیابانی زمین و کوه قَمَر (کوه کلیمانجارو) و رودخانه نیل سخن می‌گوید.

زهری، زمین را بر دو قسمت می‌داند: جنوب و شمال. «جنوب زمین تماماً بیابان است و هیچ آبادانی ندارد».^{۱۰} اما تمام مناطق مسکون و آباد در نیمه شمالی زمین قرار دارد.

زهری خشکی‌های شمالی زمین را هفت اقلیم می‌داند. نخستین اقلیم که شامل یمن، مکه، طائف، قُلُوم و مصر و مناطق آن‌ها است را مرکز آبادانی زمین دانسته و معتقد است شش اقلیم دیگر اطراف آن هستند که عبارت اند از:

اقلیم دوم: چین و هند و سهند
اقلیم سوم: فارس و عراق و مناطق آن
اقلیم چهارم: فلسطین و ترک و یاجوج و ماجوج و اسلاوها
اقلیم پنجم: شام و روم و اندلس
اقلیم ششم: افریقیه و مغرب و سرزمین سوس و مناطق آن
اقلیم هفتم: سرزمین بیابانی جناوه (سرزمینی در منطقه سیاهان) و حبشه و نوبه و زنگ است.^{۱۱}

نقشه جهان، از ادریسی
(۴۹۳-۵۵۵ ه. ق)

مطالعه این کتاب از جهت
آگاهی بر شناخت و نگرش
جغرافیایی مسلمانان
سرزمین‌های مغرب
اسلامی نسبت به سراسر
سرزمین‌های اسلامی
حائز اهمیت است

آن چه که در این قسمت از کتاب مهم است، اطلاعاتی درباره داد و ستد و بازرگانی و اجناس ممالک شرقی، یعنی دست یافت‌ها، پارچه‌ها و بعضی محصولات کشاورزی است که در دنیای قدیم معروفیت داشته و به نام اماکن محل تولید آن‌ها مشهور بوده است.^{۱۱}

اما اطلاعات زهری درباره مغرب جهان اسلام به لحاظ نزدیکی این مناطق به زادگاه و محل توطن او دقیق و درست‌تر به نظر می‌رسد و احتمالاً امکان مسافرت‌هایی به این مناطق برای مؤلف بوده است چون در این قسمت از کتاب، گاهی از شنیده‌ها یا دیده‌های خود صحبت می‌کند. احتمالاً مسافرت‌هایی به شهرهای مغرب و شهرهای اندلس کرده است و اطلاعات فراوانی درباره عجایب و شگفتی‌های آن‌ها در کتابش فراهم کرده است. گاهی از آثار ابنیه‌ای نام می‌برد که در دوران رومیان ساخته شده و در زمان او جز آثار اندکی از آن‌ها باقی نمانده بوده است و گاهی نیز به آثاری اشاره دارد که تا زمان وی هنوز پا بر جا و قابل استفاده بوده است. در کتاب هم‌چنین به بعضی واژه‌های گیاهی که احتمالاً دارویی بوده‌اند، بر می‌خوریم.^{۱۲}

زهری پس از تقسیم‌بندی مناطق مسکون زمین به هفت اقلیم، به ترتیب، نواحی شهرها، جزایر، کوه‌ها، هم‌چنین شگفتی‌ها، حیوانات، گیاهان، سنگ‌های قیمتی، محصولات گیاهی و خاص هر سرزمین، صید مروارید، عنبر، ادیان و عقاید، ویژگی‌های مردم و سرزمین‌های آن‌ها را بر می‌شمارد.

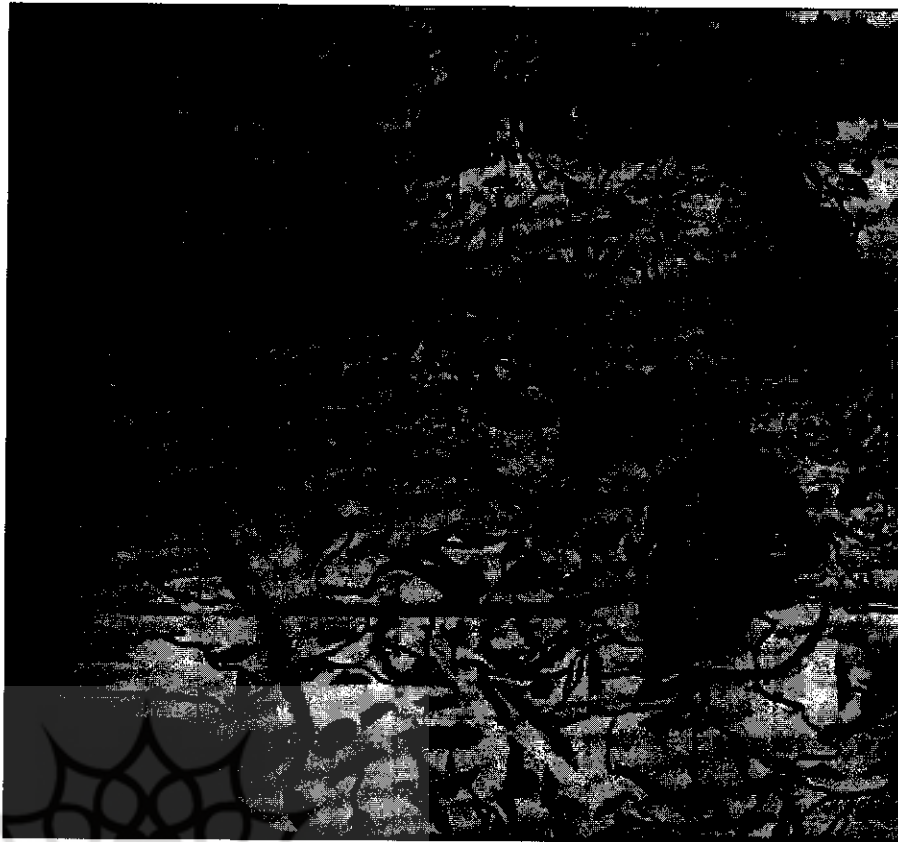
آن چه دیگر جغرافی دانان گفته‌اند، اختلاف دارد. معلوم نیست الگوی زهری در ارائه چنین تقسیمی برای اقلیم از چه کتابی بوده است.

دیگر این که زهری بر روش مکتب بلخی که سرزمین‌های اسلامی را به بیست ناحیه یا اقلیم تقسیم کرده‌اند و بهترین نمونه‌های آن در کتاب مسالک و ممالک اصطخری و صورة الارض ابن حوقل مشاهده می‌شود، نیست و کتاب وی هیچ شباهتی با مکتب جغرافیایی این مکتب ندارد.

زهری در کتابش بیشتر توجه به کتاب‌های عجایب دارد و در تمام کتاب بر آثار شخصی به نام ابن جزار که مؤلف کتابی با نام عجایب البلدان بوده، تکیه دارد و حتی کتاب او را که گاه با نام اعاجیب الارض و المدائن نام برده است.^{۱۳}

زهری گاهی نیز مطالبش را به مسعودی، مورخ معروف ارجاع می‌دهد و ظاهراً از دو اثر وی به نام‌های مروج الذهب و معاون الجوهرو و التنبیه و الاشراف استفاده کرده است.

مترجم محترم کتاب معتقد است محتوای کتاب زهری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مطلبی است که زهری درباره تقسیمات سرزمین‌های اسلامی و شهرها و اماکن «مشرق زمین» داده است و دسته دوم اطلاعات او درباره «مغرب زمین» است. به نظر می‌رسد زهری اطلاعات مربوط به «مشرق زمین» را - که در لابلای آن‌ها مطالب بکر و دست‌اولی نیز دیده می‌شود - از جغرافیا دانانی چون جاحظ، ابو عبدالله جیهانی، ابن فقیه و ابن رسته گرفته است.



زهری بر روش مکتب بلخی که
سرزمین‌های اسلامی را به
بیست ناحیه یا اقلیم تقسیم
کرده‌اند و بهترین نمونه‌های آن
در کتاب مسالک و ممالک
اصطخری و صورة الارض ابن
حوقل مشاهده می‌شود، نیست
و کتاب وی هیچ شباهتی با کتب
جغرافیایی این مکتب ندارد

اقلیم چهارم در کتاب الجغرافیه:

زهری محدوده اقلیم چهارم را چنین تعیین می‌کند: «در جنوب پایان سرزمین عراق و گردنه برادع است و مرز آن در شمال انتهای سرزمین دیلم و ابتدای سرزمین صقالبه (اسلاوها) می‌باشد و در مغرب کوه‌های شام و در مشرق سد یا جوج و مأجوج و کوهی که از جنوب و شمال این سد را احاطه کرده است».^{۱۳}

زهری اقلیم چهارم را تیز به سه ناحیه تقسیم کرده است:

- ۱- ناحیه اول: «شامل سرزمین نیشابور و سجستان و طبریه» است. از شهرهای مشهور آن: رأس العین، نیشابور، باب الابواب، بکخشان، ستوان است. زهری علاوه بر این که دریاچه طبریه در نزدیکی اردن را با دریاچه مُنتنه (مرده) (بحرالمیت) اشتباه گرفته، هم چنین آن را در این ناحیه آورده است.
- ۲- ناحیه دوم: «سرزمین ترک و تبت» که مهم‌ترین شهرهای آن: حفره و شهر روران (در ترکستان) است. از توصیفات زهری بر می‌آید که منظور او از این ناحیه، آسیای مرکزی و سرزمین ترک‌ها بوده است.

۳- ناحیه سوم: «سرزمین گُرد و دیلم و اتبار». شهرهای مهم این ناحیه که زهری نام برده عبارت‌اند از: خیلج، حیران، ارمینیه کوچک، جاجل، سوزاده، شیما، خلرافیل. زهری در توصیف این ناحیه، از دریای مازندران (خزر) با نام «دریای ذیلم» نام می‌برد و عجایی از این دریا و جزایر آن را بیان می‌کند.^{۱۵}

ایران در کتاب الجغرافیه زهری

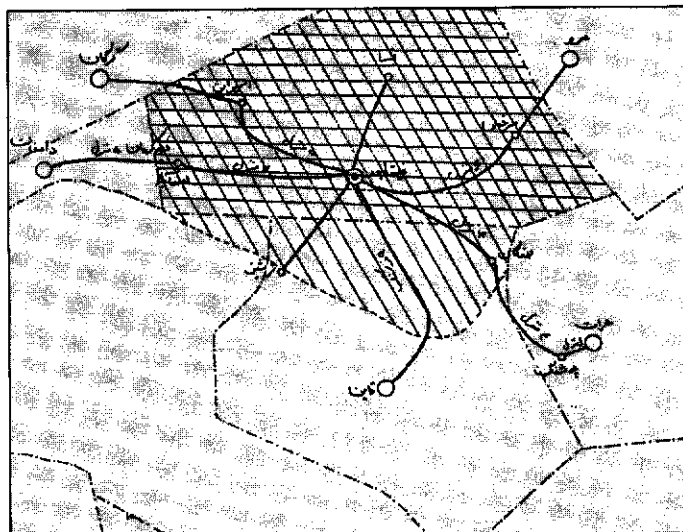
همان‌طور که گذشت، اگر چه اطلاعات زهری درباره سرزمین‌های شرقی بسیار آشفته و گاه کاملاً اشتباه است - چنان که مثلاً نیشابور را در سرزمین شام و حدود اردن دانسته و از سجستان در محدوده فلسطین نام می‌برد - لیکن به منظور آشنایی خوانندگان از اخبار زهری درباره سرزمین‌هایی که در کتاب او در محدوده ایران قرار می‌گیرند، تقسیمات جغرافیایی اقلیم‌های سوم و چهارم در کتاب زهری در این جا می‌آید:

اقلیم سوم در کتاب الجغرافیه:

زهری اقلیم سوم را منقسم بر سه «ناحیه» می‌داند که عبارت‌اند از:

- ۱- ناحیه اول: «محدوده آن از فارس تا بصره است». از شهرهای آن عبارت‌اند از: غزنه، شهرقند، خورنق، نُستر، سدیر، اصفهان، اهواز.
- ۲- ناحیه دوم: «مرزهای ناحیه دوم از شهری واقع در این مکان [؟] تا شهر «سرم‌ن رای» (سامرا) است.» شهرهای آن عبارت‌اند از: بصره، کوفه، بغداد، موصل، حلوان، کربلا.

۳- ناحیه سوم: خراسان: «مرز این ناحیه در مشرق از سرزمین غانه تا سرزمین خراسان و تا سرزمین تبت و تا بیابان قیصوم است... و مرز این ناحیه در مغرب، پایان سرزمین موصل تا نیشابور در سرزمین فلسطین [؟] در شمال است.» از شهرهای خراسان چنین نام برده است: خراسان، همدان، سمرقند، خوارزم. کلود.^{۱۳}



موقعیت ربع نیشابور و سرحدات آن براساس کتاب‌های مسالک و ممالک

- هم چنین از جمله پدیده‌ها و شگفتی‌ها و موضوعاتی که در مورد سرزمین‌های اقلیم سوم و چهارم در گزارش زهری مشاهده می‌شود به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
- وجود موجودی به نام «قطرب» در سرزمین پارسیان که موجودی شبیه «جن» یا «غول» است.
 - وجود نوعی حیوان به نام «سمندل» در «شهر قند» که در آتش زندگی می‌کند و غذایش آتش است.
 - کاخ معروف «خورنق» در شهر «خورنق»
 - لباس تستری در شهر تستر (شوشتر)
 - لباس اصفهانی در اصفهان
 - بافت لباس بسیار نازک به نام «اشکرنات» در موصل
 - آتشفشانی بزرگ در کوهی موسوم به «زی» در نزدیکی شهر
- «ننوس» که در سرزمین ترک‌ها زندگی می‌کرده است.
- خصوصیات ترک‌ها (لباس، اخلاق، سیمای چهره و بدن، قدرت توازن بدن، مهارت‌های بدنی و...)
 - استخراج سنگ فیروزه در سرزمین دیلم
 - جزایر دریای دیلم (دریای مازندران) و عجایب آن‌ها مانند نوعی ماهی سرخ رنگ و استخراج نوعی سنگ قیمتی شبیه یاقوت.
 - مهارت‌های شمشیرزنی و جنگ‌جویی دیلمیان
 - پوشش و لباس دیلمیان.^{۱۶}

- پی نوشت‌ها:
- ۱- زهری، محمد بن ابی بکر، کتاب الجغرافیه، به کوشش و تحقیق محمد حاج صادق، ترجمه و تحقیق حسین قرچانلو، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲، ص ۲۳.
 - ۲- همان جا.
 - ۳- همان جا، ص ۲۷.
 - ۴- همان جا، ص ۲۸.
 - ۵- همان جا، ص ۳۰.
 - ۶- همان جا، ص ۳۵.
 - ۷- همان جا، ص ۴۲.
 - ۸- همان جا، ص ۳۴ (زیرنویس).
 - ۹- کراچوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران. علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۷۱-۷۲.
 - ۱۰- زهری پیشین، ص ۱۴.
 - ۱۱- همان جا، ص ۱۶.
 - ۱۲- همان جا، ص ۱۷.
 - ۱۳- زهری، پیشین، صص ۱۱۰-۱۲۸.
 - ۱۴- همان، ص ۱۲۹.
 - ۱۵- همان، صص ۱۲۹-۱۴۰.
 - ۱۶- همان، صص ۱۰۹-۱۴۰.

- حلوان
- وجود انواع آلات موسیقی در ناحیه عراق مانند عودها، سازها، نی‌ها، زنگ‌ها و...
 - هاروت و ماروت، دو فرشته‌ای که پیش از اسلام به مردم سحر و جادو می‌آموختند. آن‌ها در غاری در کوه قیصوم، در ناحیه خراسان بوده‌اند.
 - افعی‌های شاخ دار سرزمین بابل
 - موجوداتی به نام «نسناس» در سرزمین بابل
 - وادی سبت در سرزمین بابل
 - چاهی در سرزمین همدان که هر یک از افراد اسکندر در آن می‌نگریستند، می‌مردند
 - تهیه سنگ وزدوان (لاجورد) از کوه «سبترماق» در خراسان
 - خصوصیات ظاهری و پوشاک اقوام «غز» و مهارتشان در تیر اندازی، سوارکاری و جنگاوری.
 - استخراج سنگ بلخشی که همان یاقوت بدخشان است از سرزمین «بلخشان» در اقلیم چهارم
 - سد یا جوح و مأجوج که سرزمین ترک‌ها [آسیای مرکزی] پشت آن قرار داشت.
 - حیوان چهار پای بسیار بزرگی شبیه پلنگ بزرگ به نام